

مصابیح

یادی از کتابهای مهم گذشته

احمد بهمنیار

(توفی در ۱۳۳۴)

مصباح الهدایة و مفتاح الکفایة

این کتاب مشهور و عالمانه که از متون معتبر در تصوف است به تصحیح مرحوم جلال همایی چاپ شده و تجدید چاپ هم شده است. موقعی که نخستین چاپ آن در سال ۱۳۲۵ انتشار یافت مرحوم احمد بهمنیار مقاله‌ای راجع بدان در روزنامه اطلاعات (۲ آذر ۱۳۲۵) منتشر کرد و فراموش شد. چون این‌گونه نوشته‌های ادبی که از بزرگان نقد و تحقیق بازمانده همواره باید در دسترس باشد، و نیز برای تجدید یاد از مرحوم بهمنیار (درگذشته ۱۳۳۴) به چاپ آن اقدام می‌شود.

(آینده)



صاحب بن عباد درباره ابوالحسین احمدبن فارس ادیب و لغوی معاصر خود گوید: شیخنا ابوالحسین ممن رزق حسن التصنیف و امن فیه من التصحیف. انتخاب موضوع مفید برای تصنیف کتاب و اختیار کتاب نافع برای شرح و تلخیص یا تهذیب و تنقیح و بخوبی از عهده تالیف یا تصحیح برآمدن حسن سلیقه و لطف قریحه و ذوق مخصوص در کار دارد که از دانشمندان هر عصر و زمان جز معدودی دارای آن نبوده و از فضلا و ادبای عصر ما هم جز معدودی دارای آن نیستند و یکی از ایشان یگانه فاضل دانشمند و استاد باستحقاق علم و ادب آقای جلال‌الدین همایی است که آنچه از آثار ایشان تاکنون طبع و نشر شده است مورد قبول و استحسان قابلۀ خداوندان ذوق علمی و ادبی و استفاده و انتفاع دانش‌پژوهان فرهنگ‌دوست و هر یک نمونه کاملی از فضیلت حسن تالیف است که صاحب بن عباد آن را بهره‌ای آسمانی و موهبتی یزدانی شمرده است و یکی از آن آثار که اخیراً عالم مطبوعات را رونق‌افزا گردیده کتاب مصباح الهدایة و مفتاح الکفایة تالیف شیخ عزالدین محمود بن علی کاشانی از مشایخ صوفیه و مشاهیر عرفا و دانشمندان قرن هفتم و هشتم هجری است که فاضل محترم آقای همایی با احاطۀ علمی و دقت نظر

خاص خود بتصحیح و تنقیح آن اقدام کرده و حواشی و تعلیقات سودمند با مقدمه‌ئی فاضلانه و دو فهرست مفید بر آن افزوده‌اند و کتاب مذکور با مزایا و اضافاتی که ذکر شد بصورتی زیبا و مطلوب و با بهترین کاغذ طبع و نشر شده است.

مصباح‌الهدایة بهترین و مفیدترین اثر ادبی قرن هشتم اسلامی و جامع و نافع‌ترین کتابی است که بفارسی در موضوع تصوف نوشته شده و بمزایا و خواصی که در نظایر آن کمتر دیده میشود و ببعض آنها بطور اختصار اشاره می‌کنیم ممتاز است.

۱- حسن انشاء که از این جهت از کتابهای بی نظیر یا کم نظیر قرن هشتم محسوب میشود.

نثر این کتاب در روانی و انسجام مانند نثر کللیله و دمنه فارسی و در کمال و وضوح ادای معانی مانند نثر «المعجم فی معاییر اشعار العجم» است و بدین مزیت بر نثر کللیله و دمنه برتری دارد.

مصباح‌الهدایة در موضوعی علمی و عرفانی نوشته شده و نویسنده‌اش از استعمال کلمات عربی ناگزیر بوده لیکن این کلمات را بمهارتی بکار برده و با کلمات فارسی تلفیق کرده است که خود ذهن خواننده را به فهم جمله‌ها و عبارات سوق میدهد و مختصر اینکه برای نوشتن کتاب علمی بفارسی مناسب‌ترین و مفیدترین روش را اختیار کرده و امروز هم کسی که می‌خواهد در موضوعی علمی بفارسی تأ کتاب کند در صورتیکه به مفهوم بودن نوشته‌های خود مقید باشد ناگزیر است که همین روش را پیروی کند، و بنابراین بر دانشجویان لازم است که باین نوع انشاء آشنا و از اصول و قواعد آن آگاه باشند.

۲- اهمیت موضوع، و آن تصوف است که شناختن حقیقت و دانستن تاریخ ظهور و مبداء اصلی و چگونگی انتشار و نفوذ و رسوخ آن در بیشتر ملل و مذاهب و تحولاتی که عارض آن شده و صورت‌های مختلفی که مقتضای آداب و رسوم و عقاید اقوام و ملوایف مختلف بخود گرفته است، مورد توجه و محل بحث و تحقیق گروهی از دانشمندان بوده و هست و محتاج بگفتن نیست که بهترین رهنمای این دانشمندان در طی وادی تحقیق کتبی است که بزرگان و مشایخ صوفیه در موضوع تصوف نوشته‌اند و آنچه باید گفته شود اینست که مصباح‌الهدایة در میان کتبی که در این موضوع نوشته شده موقع و مقام مخصوصی دارد، زیرا کتاب مذکور در نزدیکی ظهور و قیام شاه نعمت‌الله ولی در ایران تألیف شده و تصوف (یا بگفته مصحح دانشمند کتاب، یکنفر صوفی کامل‌عیار) را در موقعی وصف میکند که مشرف بر تحولی عظیم بوده، تحولی که نخست در ایران و پس از آن در هندوستان ظاهر و آثار مترتب بر آن از تغییر آداب و رسوم و غیره باندک زمان در بیشتر مراکز تصوف مشهود و معمول گردید و اصول تصوف با یک صوفی کامل‌عیار در چنین موقع برای پی بردن به چگونگی تحولی که عارض آن شده اهمیت مخصوص دارد.

۳- وضوح بیان و جامعیت مطالب که از بلندی مقام و پایه علمی و عرفانی و کمال قوه تقریر و تحریر مؤلف دانشمند آن حکایت میکند و خواننده کتاب خود را

در محضر تدریس استادی محقق می‌یابد که در شرح هر مطلب تمام جهات و اطراف آن مطلب را در نظر دارد و از آنچه باید بگوید دقیقه و نکته‌ای را فروگذار نمی‌کند.

۴- مشتمل بودن بر عبارات حکیمانه و اشعار عارفانه عربی است که مؤلف کتاب خود را با استشهاد و تمثیل و استدلال بدانها مزین ساخته و خوانندگان مخصوصاً دانشجویان از خواندن این عبارات و اشعار با مراجعه بترجمه فارسی شیوا و فصیحی که مصحح محترم از آنها کرده است علاوه بر فهم مطالب دو استفاده مهم میکنند. یکی اینکه قوه عربی‌دانی آنها بیشتر و مستحکمتر میشود و دیگر اینکه بطرز و اسلوبی که در ترجمه عربی بفارسی پسندیده و مطلوبست آشنا میشوند.

۵- مشحون بودن بمطالب اخلاقی که قسمت اعظم و تقریباً سه‌ربع کتاب در آداب زندگی و معاشرت و چگونگی سلوک الی‌الله و تهذیب نفس و وصف اخلاق حسنه از قبیل راستگویی و بخشندگی و قناعت و تواضع و بردباری و عفو و احسان و پارسائی و زهد و وفا و حیا و صفای ضمیر و مانند آنست و مؤلف عادت و روشی را که در بیان مطالب داشته است هر خلق و ادب و عادت یا رسم پسندیده را بقسمی تعریف کرده و شرح و بسط داده است که خواننده را فریفته و مجذوب و بر فراگرفتن و پیروی آن اخلاق و آداب و رسوم تشویق و ترغیب میکند.

۶- مهمترین امتیاز یا مزیت این کتاب بر سایر کتبی که در موضوع تصوف انتشار یافته اینست که بسمی و همت استادی فاضل مانند آقای همائی که علاوه بر سرمایه وافر علمی و اطلاعات ادبی و تاریخی و مهارت در سخن‌سنجی و سخن‌شناسی، در تصحیح و تنقیح آثار گذشتگان دقت نظری شایسته تقدیر دارند، تصحیح و تهذیب شده است. آقای همائی استاد محترم دانشگاه تهران اولاً نسخه طبع و نشر شده را از روی سه نسخه خطی ترتیب داده و در مقایسه وجوه مختلف و اختیار مناسبترین و درست‌ترین وجه دقت نظر را توأم با امانتی که شرط اعظم اینگونه خدمات علمی است بکار برده و کاملترین و صحیح‌ترین نسخه مصباح‌الهدایه را در معرض استفاده عموم قرار داده‌اند. ثانیاً برای تسهیل کار خوانندگان و نزدیک ساختن مطالب کتاب بذهن آنها در علامت‌گذاری جمله‌ها و عبارات دقتی را که کمتر کسی بدان پای‌بند است منظور داشته‌اند بطوری که خواننده مبداء و مقطع هر مطلب و هر جمله اصلی یا فرعی را باسانی درمی‌یابد و در قرائت و مطالعه دچار تردید و تأمل نمی‌شود. ثالثاً برای استفاده عموم خوانندگان مخصوصاً طبقات دانشجویان الفاظ و مصطلحات و اشعار و عبارات عربی کتاب را بفارسی فصیح و سلیس تفسیر و ترجمه کرده‌اند.

رابعاً هرکجا که دانستن مطلبی منوط بدانستن نکته‌ای علمی یا ادبی بوده است از ذکر و شرح آن نکته خودداری ننموده‌اند و حواشی کتاب را بتعلیقات سودمند و نکات و دقایق دانستنی مشحون ساخته‌اند.

از جمله چند حاشیه مفصل است در موضوع جبر و اختیار و غنا و موسیقی و مطالب دیگر که هرکدام رساله‌ای منفرد محسوب می‌شود. خامساً مقدمه فاضلانه بر آن نوشته‌اند که علاوه بر ترجمه مؤلف کتاب و

وصف آثار و معرفی سلسله ارادت و مشایخ او در طریقت مشتمل بر بحث کامل و جامعی در اشتقاق کلمه صوفی و وجه تسمیه آن و خواص مسلک و تعلیمات صوفیه و حقیقت کرامات و خارق عادات و تاریخ ظهور تصوف در اسلام می‌باشد و این مقدمه خود تألیفی مستقل و درخور آن است که بصورت کتاب یا رساله‌ای جداگانه طبع و نشر شود.

ملخص سخن اینکه کوشش فاضلانۀ آقای همایی استاد محترم دانشگاه یکی از آثار دانش و معرفت فارسی را از زوایای گمنامی و فراموشی بیرون آورده و بکامل‌ترین وضع و مفیدترین ترتیب و زیباترین صورت در معرض استفاده طالبان علم و عرفان گذارده‌اند، و این خدمت علمی و ادبی ایشان مانند دیگر خدماتی که به فرهنگ کشور کرده‌اند در خور همه‌گونه تقدیر و تحسین است و بر علاقه‌مندان ترقی و تعالی و بسط و توسعه علم و ادب فارسی است که قدر مساعی و زحمات ایشان را بشناسند و مخصوصاً دانشجویان از هر طبقه و درجه باید در استفاده از این اثر مفید (که شاید تنها پاداشی باشد که استاد محترم در برابر خدمت خود متوقع و منتظرند) جد و جهد کنند و بر زمامداران و مدیران امور فرهنگی کشور است که دانشجویان دبیرستان‌ها و دانشکده‌ها را به خواندن و مطالعه کتاب مزبور و استفاده از مندرجات آن موظف دارند و خدمات ذیقیمت علمی و ادبی آقای همایی را بطریقی شایسته تقدیر و ایشان را با اقدام بر خدمات دیگر تشویق کنند.

بنده نویسنده بنویت خود مساعی دوست فاضل و دانشمند خود را در احیاء یکی از آثار مفید ادب فارسی تقدیر و تحسین نموده توفیق ایشان را بر انجام خدماتی نظیر و بلکه بالاتر از این خدمت از خداوند مسئلت مینمایم.

۲ آذرماه ۱۳۲۵

پوشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

گله‌ای بجا در قطعه‌ای از مؤید ثابتی

نام تو زیب نامه و دفتر نموده‌اند
 کروبیان کلام تو از بر نموده‌اند
 از مقلان سؤال مکرر نموده‌اند
 از هم فرو گسسته و ابتر نموده‌اند
 بد بود اگر مقال، بدتر نموده‌اند
 شخص حقیر را زچه احقر نموده‌اند
 آنان که خاک را بنظیر زر نموده‌اند
 علمی مؤید ثابتی

ای ایرج عزیز که دانشوران دهر
 بر آسمان دانش ازمخته‌های فضل
 دارم ز تو سؤالی و دانی که مفلسان
 آخر چرا مقال مرا منشیان تو
 یک جا «محیط» را بنوشتند لحظه‌ئی
 دادند جا مقال مرا در صف زمال
 ای کاشکی بما فکند از گرم نظر